



۲۰۱۸/۰۱/۲۷



رسول پویان

بوی خوش عشق؛ نه جنگ



آری!!!
از جنگ،
خون ریزی،
شرارت-
و کشتار،
می گویند؛
دل های معصوم و پرمهر
کودکان،
مادران،
پدران-
و دوستان را،
در چوکهای شهر،
به دار می کشند؛
آه!!!
که سنگدلان حاکم،
غرق در دریای دالر،

کلدار و ریال،
با موترهای آخرین-
مودل خود،
چه خونسردانه و
سنگدلانه از کنار
آن قلب های آویزان و خونچکان،
می گذرند-

و باز بی شرمانه،
شعار صلح کاذب و
دفاع از طالب،
سر می دهند؛

خون دستان قاتلان را،
با آستین ابریشمین،
دالرهای بادآورده-
و ریال های آلوده،
پاک می کنند.

بگذار!؟

شرارت پیشگان،
شمشیرهای عریان خشونت-

و ستمگری خود را،
با خون لاله های آزاد و
شقایق های زیبای میهن،
بیالایند؛

اما!!

من،

از بوی خوش عشق،

می گویم؛

نه جنگ؛

با شما تقسیم می کنم،

آنچه دارم،

از عشق و مستی-

و همیشه،

سرود طربناک عشق-

و آزادی،

عطر محبت،

تبسم نگاه وصل،



صفای دل،
و رویای جهانی بی کینه و-
مملو از عدالت و مساوات را،
با نی لبک احساس و عاطفه،
می نوازم.
با متانت صبورانه،
می گذرم،
از هفت خوان کوه قاف انتظار،
تا به سرچشمه نور.
در آن افق های بیکران،
دیگر،
بقای سرمدی-
و آرامش ابدی را،
در وحدت کامل دل های پاک-
و مشتاق،
با جانانم،
خواهم داشت؛
چه در حیات انسانی،
با امید و شادی-
و چه در جاودانگی هستی،
که این است،
اوج تکامل زندگی انسان.



۲۰۱۴/۰۱/۲۷